

پزشکی نیاکان

ادبیات توحیدی در متن قانون در طب ابن سینا و ذخیره خوارزمشاهی

فهرست مطالب

| | |
|-----|---|
| ۱۱۵ | چکیده |
| ۱۱۶ | مقدمه و هدف |
| ۱۱۷ | خردمندان از دیدگاه قرآن |
| ۱۱۷ | پروفسور رویر |
| ۱۱۸ | صدرالمتألهین (ملاصدرا) |
| ۱۱۸ | مولانا |
| ۱۱۹ | حکیم ابوالقاسم فردوسی (پدر) |
| ۱۱۹ | خواجه عبدالله انصاری |
| ۱۱۹ | حافظ |
| ۱۲۰ | ابن سینا |
| ۱۲۱ | یافته‌ها و بحث در کتاب قانون در طب |
| ۱۲۵ | یافته‌ها و بحث در کتاب ذخیره خوارزمشاهی |
| ۱۳۵ | نتیجه گیری |
| ۱۳۶ | منابع |

ادبیات توحیدی در متن قانون ابن سینا و ذخیره خوارزمشاهی

به مناسبت اولین کنگره بزرگداشت حکیم جرجانی در سال
۱۳۸۰

دکتر حسین حاتمی، مهدی حاتمی

چکیده

تهذیب اخلاق، توجه به مبدا و دقت در هدفداری در خلقت موجودات و ازجمله انسان، در سرلوحه فعالیت‌های مرتبط با تعلیم و تعلم عرفا، شعرا، ادبا و دانشمندان افتخارآفرین میهنمان قرار داشته و رکن اصلی موفقیت‌ها و افتخار آفرینی‌های آنان را تشکیل می‌داده و آنان نیز تمامی پدیده‌های گیتی را با دید اعتقادی و هدفدار، ارزیابی نموده نهال قامت رعناى آفریدگار قادر متعال را در ذره ذره جامدات و قطره قطره مایعات و لحظه لحظه اوقات مشاهده و بلکه با تمام وجود خود لمس می‌نموده از مطالعه نموده‌های هستی، لذت می‌برده، توفیق آگاهی‌های بیشتر و کشف حقایق و دقایق جاری را از خالق بی‌مانند، طلب می‌کرده‌اند و جای هیچگونه تعجیبی نیست که این ارتباط، متقابل بوده خداوند نیز طبق قولی که به رهجویان راه حقیقت داده است طرق دستیابی به رموز هستی را به آنان تعلیم می‌داده و ثمره این ارتباطات با شکوه مکتب انسان ساز اسلام، چیزی جز رشد و ارتقای امثال ابن سینا، رازی، فردوسی... و جرجانی در هزاره دوم میلادی نبوده و در این مقاله نیز با بهره‌گیری از کتاب ذخیره خوارزمشاهی و مخصوصاً نسخه رایانه‌ای آن سعی کرده‌ایم به جستجوی سبک نگارش این کتاب پرداخته با گلوآه‌های ایزد، پروردگار، آفریدگار، جل و علا، عز و جل، عزاسمه، الله، قادر، متعال، معین و... به جستجو پرداخته با صدها واژه و جمله توحیدی و ده‌ها متن کوچک و بزرگ مرتبط با ادبیات توحیدی، مواجه گردیدیم و دریافتیم که جرجانی نیز همانند

ابن سینا کتاب نفیس خود را با بهره‌گیری از ادبیات توحیدی، نگاشته و پیام خداجویی استدلالی را به تمامی دانشجویان پزشکی و پزشکان دانشجو ابلاغ نموده است.

مقدمه و هدف

در آن زمان که پرچم مجد و شکوه تمدن اسلامی را در دست داشتیم و دانش آموزانمان به ابن سیناها، رازی‌ها، ابوریحان‌ها، حافظ‌ها، سعدی‌ها، عطارها، فردوسی‌ها و . . . ارتقا می‌یافتند ادیبانمان توحیدی و ایمانمان محکم‌تر بود و تهذیب اخلاق را مقدم بر هر آموزش و پژوهشی می‌دانستیم ولی در زمان ما ظاهراً برنامه مدوتی برای ارج نهادن به این ارزش‌ها نیست و امثال نگارنده، بعنوان دانشجویان دیروز و معلمین امروز دانشگاه، این خلاء را امروزه بیش از هر زمان دیگر، احساس می‌کنیم! مخصوصاً که توفیق مطالعه برخی از متون پزشکی قدیم دانشمندان مسلمانی نظیر ابن سینا و رازی و عرفا و شعرای بزرگی نظیر فردوسی، سعدی، حافظ، عطار و پروین اعتصامی را نیز در سال‌های اخیر تا حدودی کسب نموده شاهد چنین سبکی در کتب علمی و ادبی میهنمان بوده و پیام توحیدی این کتب را که با بهره‌گیری از "ادبیات توحیدی" بیان شده است دریافت کرده احساس وظیفه می‌کنیم چنین سبکی که برخاسته از عشق و ایمان سرشار آن بزرگان بوده است را برای نسل جوانتر و پزشکان آینده کشورمان یادآور شویم تا ما پزشکانی که مشغول کسب علم مهندسی دستگاهی هستیم که بدست توانای خداوند قادر متعال آفریده شده است در لحظه لحظه زندگیمان و در کلمه به کلمه مطالعاتمان چهره مبارک خالق را بنگریم و هم بسوی او قدم برداشته به تعبیر امامان *عالم را محضر خدا بدانیم* تا ما را لایق بدانند و طبق قولی که در کتاب آسمانیش داده است راه‌های مخصوص موفقیت‌های بزرگ را همانگونه که به ابن سینا و رازی، آموخته به نسل فعلی پزشکی ایران که فرزندان آن بزرگواران میباشند نیز بیاموزد (اولئک فینا لنهْدینَهُمْ سُبُلَنَا - آنان که با عشق و

علاقه و تلاش و پشتکار، عزم پیمودن راه دستیابی به حقیقت را در فکر و اندیشه خود پرورده‌اند دستشان را خواهم گرفت و راه‌های مخصوصی را به آنان نشان خواهم داد - يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّوَالَعِلْمَ درجات - خداوند، آنان که با ایمان به ذات باریتعالی در راه کسب علم، قدم نهاده‌اند را به درجات رفیع‌ای نائل خواهد کرد).

خردمندان از دیدگاه قرآن

خداوند سبحان در بسیاری از آیات قرآن مجید و از جمله در آیات ۹۱-۱۹۰ سوره آل عمران، برخی از صفات خردمندان را برشمرده و متذکر شده است که آن‌ها کسانی هستند که در خلقت آسمان‌ها و زمین و چگونگی آمد و شد شب و روز، تفکر و تدبیر نموده آثار حکمت الهی را در سراسر هستی مشاهده کرده عملاً با تمامی حرکات و سکنات و رفتارهای خود به ذکر معبود قادر متعال، پرداخته به هدفدار بودن خلقت، گواهی می‌دهند . . . براساس این تعریف، به برخی از این خردمندان، اشاره می‌گردد :

پروفسور رویر

یکی از این خردمندان، پروفسور رویر، آناتومیست موخ‌د فرانسوی است که در کتاب نفیس حیات و هدفداری می‌نویسد "حیات، کار تصادف نبوده و نمی‌تواند باشد. بلکه کار فکری خلاق و مافوق طبیعی یعنی خداست که بندر حیات را در جهانی که آماده پذیرش آن بوده شکوفا کرده است و سپس بی آنکه توقفی در آن حاصل شود و بدون آنکه منشائی غیر از موجود زنده داشته باشد با انتقال از یک موجود زنده به دیگری ادامه یافته است. ولی هنگامیکه خالق، ابداع حیات نموده مقصدی هم برایش معین کرده است که موجودات جاندار با طی تغییراتی که قسمتی از آنها را لایه‌های زمین شناسی حفظ کرده‌اند، به سوی آن روان شده‌اند. بدین سبب است که علیرغم شباهتی که باید به طور طبیعی بین یک

موجود و اسلافش باشد، دنیای حیوانی تکامل و تحول یافته است، موجودات جدیدی ظاهر گشته‌اند و بدن‌بال شکل‌هایی که منقرض شده‌اند شکل‌های دیگر جانشین گشته‌اند. از پیداشدن اولین موجودات زنده و در طول میلیون‌ها سال تا دوره ما موجودات زنده‌ای پدید آمده‌اند که از اسلاف مولد خود با اختلافات کم و بیش دامنه داری خود را متمایز ساخته‌اند.

جهش‌های خواسته شده که زمینه آنها پیشاپیش فراهم شده است و دارای اهمیت فراوانی بوده و اعضاء را پیوسته به پیچیدگی و تفصیل بیشتری سوق می‌دهند، موجب تشکیل دسته‌ها و رده‌های دنیای حیوانی شده‌اند، در عین حال این جهش‌ها برای هریک از این گروه‌ها سازش شایسته‌ای را با شرایط جدید زندگی تامین می‌نمایند.

صدر المتالهین (ملاصدرا)

خردمند فیلسوف دیگری به اسم ملاصدرا این نقشه ازلی را "حرکت جوهری" نامیده است. طبق نظریه این فیلسوف عالیقدر جهان اسلام ماده، بر اثر یک سلسله حرکات تکاملی که در ذاتش پدید می‌آید دارای استعدادی میشود که دیگر خاصیت مادی ندارد یعنی ماده پس از طی مراحل تکاملی، حالتی غیرمادی پیدامیکند.

طبق نظریه ملاصدرا در تمام پدیده‌های جهان (غیر از حرکات معمولی) یک حرکت آرام تکاملی وجود دارد که به تدریج آنها را به مراتبی بالاتر از آنچه که فعلاً هستند سوق میدهد و این حرکت به اصطلاح این فیلسوف اسلامی، "حرکت جوهری"، نامیده میشود. یعنی حرکتی که استعداد انجام آن بالقوه در ذات اشیاء وجود دارد.

مولانا

مولانا جلال الدین بلخی خردمند، میگوید :

چون نـمـی داند دل داننده‌ای هست با گردنده گرداننده‌ای

| | |
|-------------------------------|------------------------------|
| چون نمیگویی که روز و شب بخود | بی خداوندی کی آید کی رود |
| گرد معقولات می گردی ببین | این چنین بی عقلی خودای مهین |
| خانه با بنا بود معقولتـــــر؟ | یا که بی بنا بگو ای کم هنر |
| خانه ای با این بزرگی و وقار | کی بود بی اوستادی خوب کار |
| خط با کاتب بود معقولتـــــر؟ | یا که بی کاتب؟ بیندیش ای پسر |
| جیم گوش و عین چشم و میم فم | چون بود بی کاتبی ای متهم |
| شمع روشن، بی زگیرانده ای؟ | یا بگیرانده داننده ای؟ |

حکیم ابوالقاسم فردوسی (پدر)

فردوسی خردمند میگوید :

| | |
|-----------------------------|------------------------------|
| سخن هیچ بهتر ز توحید نیست | بنا گفتن و گفتن ایزد یکیست |
| نخست از جهان آفرین یاد کن | پرستش برین یاد بنیاد کن |
| کزو بست گردون گردان بیای | هم او بست بر نیکوئی رهنمای |
| جهان پرشگفتست چون بنگری | ندارد کسی آلت داوری |
| که جانت شگفتست و تن هم شگفت | نخست از خود اندازه باید گرفت |
| و دیگر که بر سرت گردان سپهر | همی نو نمایند هر روز چهر |

خواجه عبدالله انصاری

عارف کامل، خواجه عبدالله انصاری چنین سروده است :

| | |
|---|-------------------------------|
| مست توام از جرعه و جام آزادم | مرغ توام از دانه و دام آزادم |
| مقصود من از کعبه و بتخانه تویی تو | ورنه من از این هردومقام آزادم |
| الهی روزگاری تو را می جستم خود را می یافتم، اکنون خود را می جویم و تو را می یابم. | |

حافظ

حافظ خردمند، می گوید :

| | |
|-------------------------------|------------------------------|
| بلبل زشاخ سرو به گلبانگ پهلوی | میخواند دوش درس مقامات معنوی |
| یعنی بیا که آتش موسی نمود گل | تا از درخت، نکته توحید بشنوی |



بلبل زشاخ سرو به گلبانگ پهلوی
میخواند دوش درس مقامات معنوی

یعنی بیا که آتش موسی نمود گل
تا از درخت، نکته توحید بشنوی

و هل آتیکَ حَدِيثُ موسی (۹) اذ را
ناراً فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ ناراً
لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدٍ عَلَى
النَّارِ هُدًى (۱۰) **سوره طه**



ابن سینا (قانون)

• آفریدگار توانا بدون کمک و
یاری هیچ دستیاری کارگاه
وجود انسان را چنان با دقت
آفریده است که هیچ نفس
و خللی در آن وارد نیست
... به راستی که کسی جز
او سزاوار ستایش نیست

ابن سینا

و ابن سینای خردمند در مقابل هدفداری در خلقت مثانه، سر تعظیم
فرود آورده چنین مینگارد "آفریدگار توانا بدون کمک و یاری هیچ دستیاری کارگاه
وجود انسان را چنان با دقت آفریده است که هیچ نقص و خللی در آن وارد نیست .

.. به راستی که کسی جز او سزاوار پرستش نمی‌باشد و همه اینها یعنی ادبیات توحیدی. بنابراین هدف از انجام این پژوهش، سیری در قانون ابن سینا و ذخیره خوارزمشاهی و جستجوی سبک نگارش مزبور، بوده است و لذا در این راستا پس از سپردن این آثار نفیس، به حافظه رایانه، با بهره‌گیری از قابلیت جستجوی کتب رایانه‌ای مزبور، به یافتن واژه‌های کلیدی مرتبط، نظیر ایزد، پروردگار، آفریدگار، جل و علا، عز و جل، عزاسمه، الله، قادر، متعال، مُعین و .. پرداخته با صدها واژه و جمله توحیدی و ده‌ها متن کوچک و بزرگ مرتبط با ادبیات توحیدی، مواجه گردیدیم که به شمه‌ای از آن اشاره خواهد شد :

یافته‌ها و بحث در کتاب قانون در طب

استاد و پدرمان ابن سینا در کتاب نفیس قانون که بزرگترین دائرة المعارف پزشکی عصر او بوده و یکی از دستمایه‌های مسلم طب نوین می‌باشد بارها عظمت خالق منان را ستوده با نام او آغاز کرده، به یاد او ادامه داده و با لطف او به اتمام رسانده است. به طوری که در آغاز کتاب اوّل قانون درطب میفرماید:

ستایش باد یزدان را که سزاوار ستایش است بسبب بزرگواریش و کثرت الطافش و درود بر سرور و پیامبر ما محمد (ص) و دودمان او ... و پس از نگارش چند سطر بعنوان مقدمه، چنین ادامه می‌دهد: اگر به یاری یزدان بزرگ، این کتاب پایان پذیرد، در تعقیب آن کتاب "اقرابادین" را تالیف می‌کنم و آن کتابی است که هرکس دعوی حرفه طبابت کند و بخواهد در این پیشه، توشه‌ای بدست آورد لازم است آنرا داشته باشد ... اگر خداوند آجل در آجل مهلتی دهد و سرنوشت، مرا یاری کند کوشش دیگری در این زمینه در پیش دارم.

و کتاب دوم قانون را با جملات زیر، آغاز میکند: سپاس یزدان را، و درود بر بندگان برگزیده او. بعد از ستایش خداوند و درود بر فرستادگان او، این کتاب دومین کتاب از کتبی است که در علم طب نوشته‌ایم.

و در آغاز کتاب سوم نیز یاد و نام خدا را سرلوحه کار خود قرار داده

چنین نگاشته است: سپاس یزدان را و سلام بر بندگان یزدان پرست و درود بر فرستادگان خدا باد. چنان که می‌دانی: ما، در کتاب اول و کتاب دوم، قسمت اعظم علم نظری طب و داروهای ساده را بیان کردیم.

و در ادامه کتاب، گاهی در رابطه با تشریح ساختمان یک ارگان یا اشاره به وظایف آن عضو، با رویت آثار قدرت حق و هدفداری در خلقت آن ارگان، عنان اختیار، از کف می‌دهد و شروع به ستودن خالق می‌نماید، مثلاً وقتی اشاره به شناخت غریزی داروها بوسیله "پرستو" میکند کار تالیف را موقتاً متوقف نموده اظهار ارادت به پیشگاه خالق منان می‌نماید و مجدداً کار را ادامه می‌دهد. . . . اگر افسره‌اش را چندان بر اخگر بجوشانند تا نیمه شود دید را قوی کند. گاهی که جوجه پرستو کور میشود مادرش این گیاه را برای او می‌برد و روشنائی باز یابد. و بدین علت آنرا خطافی نام نهاده‌اند. بزرگی پروردگاری را سزااست که هرچیزی را که بوجود آورده رهنمونی کرده است

و هم در این رابطه در صفحه ۴۴۶۰ ویرایش الکترونیک قانون، وقتی به هدفداری در ساختمان روده‌ها می‌رسد چنین می‌فرماید:

خداوند تبارک و تعالی، جل جلاله که نامش فرخنده ترین نام‌ها و احکامش عادلانه ترین احکام است و بجز او خدائی نیست که سزاوار پرستش باشد از لطف و عنایتی که با زمره آدمیان دارد و هم از ازل بر نیازمندی‌های زندگی آگاه بوده است، روده‌ها را در تعداد زیاد و دارای پیچ و خم و چنبر زده آفریده است. اگر روده انسان یکی بود یا کوتاه‌تر از این بود که هست، فاصله میان غذای فروداده از گلو تا معده چندان نبود که انسان از آن بیاساید، غذا چنان سریع به انتهای روده می‌رسید که اندرون همیشه تهی می‌ماند و آدمی پیوسته و بدون وقفه به خوردن غذا اشتغال داشت و درعین حال می‌بایست دائماً مشغول دفع مدفوع باشد. و اگر کار و بارش منحصر به خوردن می‌شد، چگونه می‌توانست بکار زندگی برسد؟ و اگر کار نمی‌کرد خوراک را از کجا می‌آورد؟ از سوی دیگر بایستی برای دفع آن همیشه آماده باشد و حالت فوق العاده اعلام کند! در انتظار بیرون دادن تفاله خوراک رنج بکشد و بر خود بیچد، به چشم‌گرسنگی و سیر نخوردن مبتلا می‌شد و با حیوانات چرنده، هم مسلک می‌گشت.

خداوند تعالی پیچ در پیچ‌هایی در روده‌ها بوجود آورده است تا اگر ماده غذایی در جزئی از اجزای روده بدون برخورد با دهانه رگ مکنده جلو برود، در

قسمتی دیگر با بخشی دیگر از رگ‌های مکنده غذا از روده مواجه شود و آنچه که از دسترس بعضی رگ‌ها خارج شده، رگ‌های دیگری سر راهش باشند و آن را در یابند.

و در مقابل هدفداری در خلقت مثانه نیز سر تعظیم فرود آورده چنین می‌نگارد: آفریدگار توانا بدون کمک و یاری هیچ دستیاری، کارگاه وجود انسان را چنان با دقت آفریده است که هیچ نقص و خللی در آن وارد نیست، هرچیز را در اندازه‌ای که لازم است بدون کم و کاست و بدون فزونی در این دستگاه قرار داده است. برآستی که کسی جز او سزاوار پرستش نیست. چنانکه برای تفاله ریختنی، آوندی طرح ریزی شده که تفاله و ماده بیرون ریختنی پرمایه به تدریج در آن جمع آید و در وقت لازم و بایسته یکباره بیرون داده شود و انسان ناچار نباشد که همیشه به اجابت مزاج بنشیند - که این بحث را قبلاً بیان کردیم - همچنان خداوند بزرگ و خالق بی نظیر برای جابجا کردن آب بی مصرف و دور ریختنی در جسم انسان حوضچه‌مانندی خلق کرده است. که آب بیرون دادنی کم کم در آن ریزد و در وقت لازم همه‌اش یکباره بیرون داده شود، نه اینکه انسان هر دقیقه و ساعتی به دفع ادرار سرگرم باشد چنانکه مبتلایان به تکرر ادرار، این حالت را دارند.

خداوند تبارک و تعالی - که توانائیش سزاوار ستایش است - گلومانده‌ای را برای دفع ماده آبی ریختنی رو به سوی آلت بول ریز به بیرون قرار داده است. این گلومانند - که تنبوشه ایست - از مثانه تا آلت بول ریز بخارج ادامه دارد و دارای چندین پیچ و خم است. حکمت در خلق این پیچ و خم‌ها این است که ماده آبی یکباره و همگی به بیرون راه نیابد. بویژه در نرینه این پیچ و خم‌های تنبوشه بیشتر از آن است که در مادینه هست.

در جنس نر سه تا خم و پیچ هست اما در جنس ماده تنها یک خم شدگی وجود دارد، زیرا مثانه مادینه بسیار نزدیک به زهدان است.

در زهدان مجرائی هست که درست در مقابل دهانه فرج از خارج قرار دارد و منی بلعیده از آن مجرا وارد می‌شود و خون حیض از آن مجرا بیرون می‌ریزد و راه به دنیا آمدن نوزاد نیز همین مجراست. این مجرا در دوران بارداری، به حدی تنگ است که به زحمت بتوان میل جراحی را در آن فروبرد. اما به هنگام زایمان به اذن و اراده خداوند تعالی همین مجرای تنگ باز و گشاد می‌شود و نوزاد از آن خارج می‌شود. مجرای بول در جای دیگر و در خارج از این مجراست. مجرای بول از هر

چیز دیگر به قسمت بالائی دهانه زهدان نزدیک تر است.

و به تشریح نخاع که میرسد بار دیگر به ستایش پروردگار قادر متعال پرداخته مینویسد:

آفریدگار که نامش گرامی است، نخاع را به همان طریق که جوئی از چشمه جدا می شود از مغز جدا کرد و به بخش های زیرین بدن بخشید تا سهم و حصه اعصابی که در اطراف و اکناف بدن هستند از آن انشعاب برداشته شود و هر یک به تناسب تعادل و پیوستگی با اندام ها به سهم خود برسد و از این نظر ستون پشت را برای نخاع به شکل مجزا و گذرگاه محفوظی قرار داد.

و در بحث مزاج ها چنین نوشته است:

بدان که ایزد توانا هر جاندار و هر اندامی را مزاجی بخشیده است که به آن سزاوار است و این مزاج با توان و تحمل وی سازگار است و با احوال و کردارش متناسب است.

پژوهش در این زمینه کار فیلسوف است نه پزشک. خداوند، معتدل ترین مزاج جهان هستی را به انسان ارزانی داشته است. مزاج انسان مناسب نیروی او و متناسب با کنش ها و واکنش های اوست. هر اندامی را نیز مزاجی بخشیده است که برانده آن اندام است، برخی از اندام ها را گرم، بعضی از آنها را سرد، عده ای را خشک و تعدادی را مرطوب آفریده است.

و بینش توحیدی خود را در رابطه با جریانات حین تولد نوزاد، با بهره گیری از ادبیات توحیدی، چنین نگاشته است:

ظاهراً میتوان گفت که به هنگام تولد، طبیعت و نیروی تشکیل دهنده جنین به کمک پرورده خود می آیند. مفاصل اطراف زهدان را از هم جدا می سازند و آن را از هر سو کش می دهند. در نتیجه چندان گشاد می شود که هرگز در غیر حالت بیرون دادن جنین این گشادی را نمی بیند و همین که زهدان از جنین فارغ شد، مفاصل از هم فاصله گرفته به حالت سابق بر می گردند و زهدان حالت طبیعی خود را باز می یابد. اما در حقیقت نباید فراموش کرد که امداد غیبی دست اندر کار است و تنها اراده و مرحمت خداوندی است که فریادرس و مشکل گشاست. همان امدادهای غیبی خداوندی است که جنین را در زهدان پرورش داده و راه خروج را به رویش گشوده و تا جنین زنده است و در دنیا پرورش می یابد، امداد غیبی خداوندی دستش را گرفته و پایه پا همراه او است، و جنین هیچگاه بر نمو کردن و بالیدن خود آگاه نیست. وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ طِينٍ. ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْقَةً فَيَقْرَر مَكِينٍ. ثُمَّ

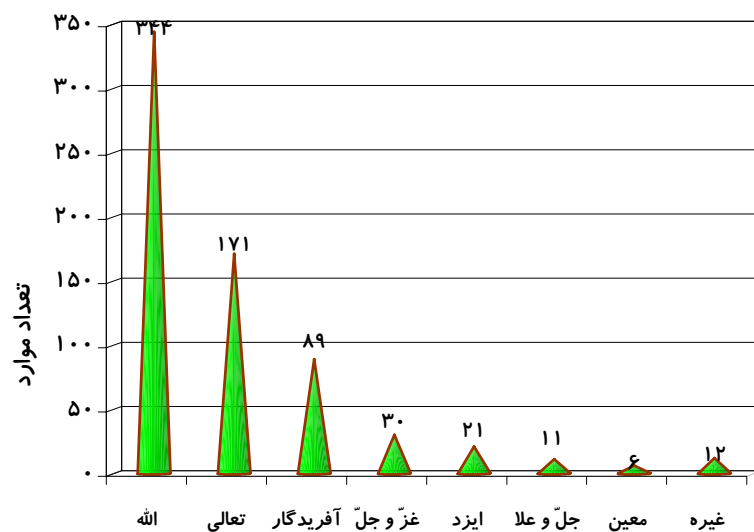
خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ
أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ، فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ.

یادآور می‌شود که استادمان همواره در سایه استعانت از درگاه الهی و سعی و کوشش شبانه روزی، راه تعلیم و تعلّم و پژوهش را پیموده آنگونه که خود، در خاطراتش ذکر کرده است خداوند را یار و یاور خود دانسته همواره در حلّ مشکلات، از او استعانت می‌جسته است. وی در این رابطه میفرماید: "هرگاه در مطالعه به مشکلی برمیخوردم که از حل آن عاجز می‌شدم به مسجد می‌رفتم، نماز می‌گزاردم و حل آن مشکل را از مُبدع کل می‌خواستم".

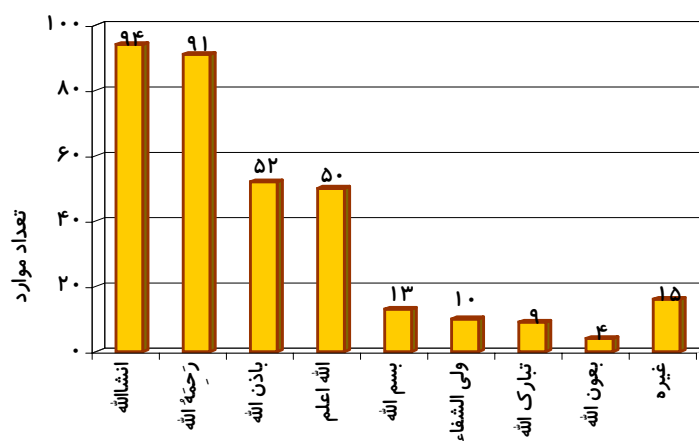
یافته‌ها و بحث در کتاب ذخیره خوارزمشاهی

جرجانی هر ده جلد کتاب ذخیره را با بسم الله الرحمن الرحيم کامل، شروع کرده در آغاز جلد اول بر پیامبر و خانواده او درود می‌فرستد، در آغاز کتاب ششم، دعای پر معنای "اَللّٰهُمَّ وَفِّقْنَا لِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضٰی" (خداوندا ما را در آنچه که مورد رضا و رغبت توست موفق گردان) را بر قلم خود جاری مینماید، در پایان برخی از کتب از اینکه موفق به تالیف آن کتاب شده است بار دیگر خداوند را بر این حُسن توفیق می‌ستاید، در سراسر کتاب خود بارها از جمله دعائیه "اِنْشَاءَ اللّٰهِ" استفاده نموده، کرارا تقدیر الهی و همدفداری در ساختمان و فعالیت‌های ارگان‌ها را گوشزد کرده به ترتیب نزولی از واژه‌های ذیل، به فراوانی استفاده کرده است: الله، تعالی، آفریدگار، عَزَّوَجَلَّ، ایزد، جَلَّ وَ عَلا، معین، عزاسمه، قادر، ... و پروردگار (نمودار ۱).

همانگونه که در نمودار شماره ۱ ملاحظه می‌گردد حکیم عالیقدر در کتاب ذخیره، بیش از ۳۴۰ بار از کلمه جلیله الله استفاده نموده و همانطور که در نمودار شماره ۲ مشاهده می‌شود بیشترین فراوانی را جمله دعائیه انشاءالله به خود اختصاص داده است که ذیلاً با ذکر مثال‌هایی به نحوه به کارگیری این کلمات و جملات در متن کتاب ذخیره، اشاره می‌گردد:



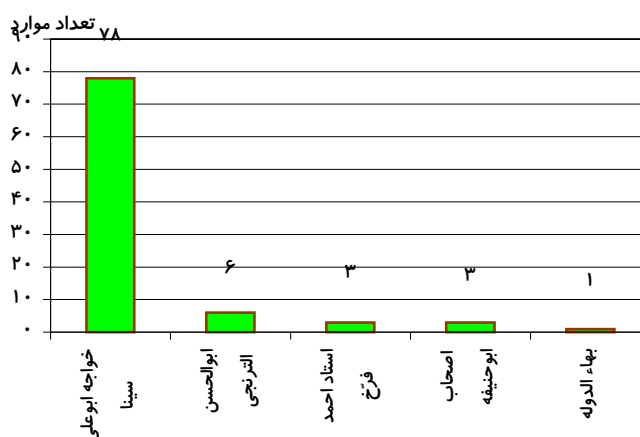
نمودار ۱ - میزان فراوانی واژه‌های توحیدی در متن ذخیره



نمودار ۲ - میزان فراوانی واژه الله در کتاب ذخیره خوارزمشاهی

خواجه ابوعلی سینا رَحِمَهُ اللهُ می‌گوید این سخن نزدیک من عظیم است یعنی این معنی مرا درست می‌آید و بعد از این در کتاب معالجات، سخن اندر تَفَرُّقِ الاتصال به شرح، گفته شود، ان شالله تعالی (ص ۲۵۶۴)
این سببها و احوال آن اندر کتاب سوم که کتاب حفظ الصحه است یادکرده آید، انشالله تعالی (ص ۵۸۱)

شایان ذکر است که استاد جلیل القدر، در متن کتاب خود به اسامی چندی اشاره فرموده و به راه خود ادامه داده است ولی به نام حدود ۵ نفر که رسیده است جمله دعائیه رَحِمَهُ اللهُ، به قلم مبارک او جاری گردیده و آنچه که درخور تعمق است اینکه از مجموع ۹۱ بار حدود ۷۸ مرتبه آن مربوط به نام ابن سینا بوده است (نمودار ۳) که نه تنها نشان‌دهنده حد‌اعلای بهره‌گیری حکیم جرجانی از محتوای قانون ابن سینا بلکه حاکی از ارادت خاص و اقتدای سید عالیقدر به مقام شامخ ابن سینا است. وی می‌نویسد :



نمودار ۳ - میزان فراوانی به کارگیری جمله رَحِمَهُ اللهُ

«خواجه ابوعلی سینا رَحِمَهُ اللهُ می‌گوید من صواب آن بینم که مُقل حل کنند و آن را به آب مقل بسرشند و اقراص کنند و مقدار مقل چند یک جزو از اجزاء ایارج و بعضی صبر، مغسول کنند از جهت محروران لکن اسهال کمتر آرد و کسی را

که تب، سخت گرم نباشد شاید داد (ص ۳۴۶۲).

... . خواجه ابوعلی سینا رَحْمَةُ اللهِ میگوید من این نوع نخستین را به نواحی دهستان دیده‌ام لَوْن او به سرخی دارد و بد ماری است و علاج او پس از علاج‌های مشترک، علاج افعی است (ص ۳۲۰۹)

پس از آن روزگار پیری باشد و اندر این روزگار، سستی قوتها پدید می‌آید تا آخر عمر که ایزد تعالی تقدیر کرده باشد. و فضیلت عمر پیری آنستکه بعضی مردمان باشنند که مدت عمر ایشان به تمامی شصت سال رسد و با عمر کودکی و جوانی و گهلی برابر آید و جمله عمر ایشان به صدویست سال رسد بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (ص ۳۵)

وی، هدفداری در تقعر کف پاها را این چنین توصیف نموده: "و کف پای از سوی اندرون تهی کرده و از زمین برداشته، تا اندر وقت رفتن پایها را سبکتر از زمین بر توان ربود و بتوان دويد، قَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ". و در مورد اعصاب محیطی، چنین نگاشته است: "آفریدگار تبارک و تعالی نخاع را از دماغ رویانیده است پس از نخاع برابر هر اندامی عصبی بیرون آورده و بدان اندام پیوسته تا حس و حرکت به میانجی این عصب‌ها بدان اندام‌ها میرسد بِإِذْنِ اللَّهِ وَ حُسْنِ تَقْدِيرِهِ" و نیز مینویسد: "بباید دانست که کارهای طبیعت کاری اتفاقی و بیهوده نیست لکن عنایت ایزدی است که طبیعت را این قوت‌ها که یاد کرده شد بداده است و ارزانی داشته و قوت‌ها را بر این داشته که کار بر نسقی راست می‌رانند و دلیل بر آنکه این قوت‌ها هست آنست که چون نر و ماده بهم نزدیک شوند کار هر دو برآید و لذت هر دو حاصل گردد و نر و ماده را از این کار جز لذت قصدی و غرضی نیست و هیچ اندیشه آن نه که تا آب ایشان کجا شود و از آن چیزی حاصل گردد و یا نگردد و اگر نه قوت طبیعی اندر رحم از بهر این کار افتاده است که به عنایت ایزدی آن آب‌ها را در حال بگیرد و نگاه دارد آن آب ضایع شدی و اگر نه قوت جاذبه استی که خونی به اندازه و شایسته غذای او جذب میکند غذا از کجا یافتی و چگونه پرورده شدی و اگر نه قوت مُدَبِّرَه استی که این قوت را بر این کار دارد تا غذا به اندازه جذب کند ممکن بودی که بیشتر جذب کردی و نطفه اندر وی غرق شدی یا کمتر جذب کردی و پرورده نشدی یا بودی که غذاهای غلیظ جذب کردی و شایسته نیامدی یا لطیف تر جذب کردی و بدو پیوسته نشدی و مانند نگشتی و اگر نه قوتی است که آنرا مغیره اولی گویند از یک منی یکسان چندین گونه اندام‌ها چون دل و دماغ و استخوان و عصب و عروق و شرائین چگونه پدید

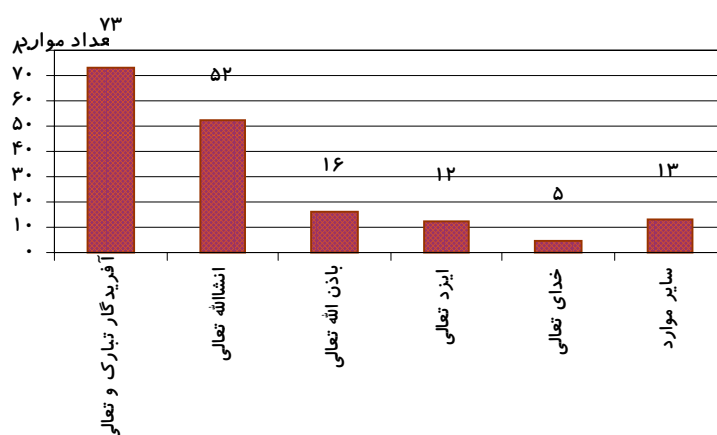
آمدی و اگر نه قوت مصوره استی که به تدبیر قوت مدبره شکل‌های اندام‌ها و تهی و پری و خردی و بزرگی و سختی و نرمی آن پدید می‌کردی از یک منی یکسان، چندین گونه ترکیب چگونه پدید آمدی و اگر نه قدرت غاذیه استی و دیگر نامیه چه واجب کردی که خون طمث غذای او شدی و اندر رحم ببالیدی و بزرگ شدی اینهمه به تقدیر و تدبیر آفریدگار است فتبارک الله احسن الخالقین" (حرکت جوهری) و هم در این رابطه است که نویسنده موحد کتاب حیات و هدفداری مینویسد: "روابط متقابل، دلیل نمایانی از فلسفه آفرینش می‌باشد زیرا این روابط وجود یک نقشه و اراده‌ای را آشکار میکند. این نقشه در تشکیلات قابل تحسینی که برای انجام دقیق‌ترین تظاهرات اعمال حیات اختصاص یافته‌اند موجود می‌باشد. اما این نقشه مدیون فکر خلاقش می‌باشد و وجود اراده‌ای را اثبات می‌کند. پس چون نتیجه اراده این سازنده، شاهکاری با عظمت و کامل بوده است، به علت این عظمت و کمال، نمیتواند موجد آن بجز قدرتی مافوق نیروهای طبیعی چیز دیگری باشد. حکیم جرجانی می‌افزاید "آفریدگار تبارک و تعالی کاسه سر از استخوان آفرید تا سلاحی باشد که آفت‌ها از دماغ باز دارد، و شکل او گرد آفرید دو معنی را: یکی آنکه تا آفت‌ها کمتر پذیرد، چه دورترین شکلی از آفت‌ها شکل گرد است، دوم تا مغز که می‌باید در میان وی باشد بیشتر گنجد". . . و در مجموع به هر کدام از ارگان‌های باعظمت بدن که رسیده نهال قامت رعنا آفریدگار را دیده و ضمن توضیحات لازم در حد بضاعت علمی آن زمان ولی درک عرفانی متعالی، به ستایس پروردگار نیز پرداخته است.

همانطور که در نمودار شماره ۱ ملاحظه می‌گردد پس از واژه جلیله الله، بیشترین فراوانی به کارگیری، مربوط به واژه تعالی می‌باشد و بیش از ۱۷۰ بار در سراسر کتاب ذخیره، تکرار شده است و در نمودار شماره ۴ نحوه استفاده از آن نشان داده شده است.

علامت‌های مزاج‌های اصلی و عارضی در باب هفتم از گفتار دوم از کتاب نخستین یادکرده آمدست، بعون الله تعالی (ص ۳۵۰)

این همه از بهر آنکه تا نسل مردم باقی مانند چندانکه آفریدگار تبارک و تعالی تقدیر کردست و اگر نه آنست که این فراموش کاری پدید همی آید و قوت بهیمی

غالب می‌شود هرگز کدام عاقل این کار کردی (ازدواج) و این غمهای فرزندان که یاد کرده‌امد بخویشتن کشیدی هرکه این معنی فهم کند به کمال قدرت و حکمت آفریدگار تبارک و تعالی اقرار دهد و باخلاص بگوید: ذالک تقدیرالعزیزالعلیم



نمودار ۴ - نحوه به کارگیری واژه تعالی در متن ذخیره خوارزمشاهی

وی هدفداری و برنامه ریزی مدبرانه را نه تنها در شکل و اندازه و انسجام و هماهنگی اعضاء مختلف بدن انسان بلکه در تمامی نمودهای هستی، مشاهده کرده زمین را بستر مناسبی می‌داند که برای ادامه حیات، گسترده و به مناسبترین طریقه ممکن، آب مورد نیاز آن تامین گردیده و به دلیل نیاز موجودات مختلف به آبهای همراه با املاح مناسب، آنرا با املاح لازم، ممزوج نموده است. او در اینمورد چنین نگاشته است "بباید دانست که آن سبب عنایت ایزدست سبحانه و تعالی که پاره‌ای از زمین از آب برهنه کرد تا آرامگاه آدمیان و دیگر جانوران باشد و عنایت دوم آنست که اینجا که از آب برهنه کرد بیشتر آن از سوی شمالی کرد تا این آرامگاه خوشتر باشد و هوای آن درست تر و صافی تر و باشندگان در آن تندرست تر و قوی تر باشند و عنایت سوم آنست که چون اینجا از آب برهنه کرد علم او از پیش رفته بود که باشندگان زمین را از آب چاره نباشد و بر این پاره زمین جایگاه آب و جایگاه زمین را یکی کرد و آب را در وی براند و پراکنده کرد تا به همه جای به اندازه میرسد و همه باشندگان زمین را از آن بهره می‌باشد،

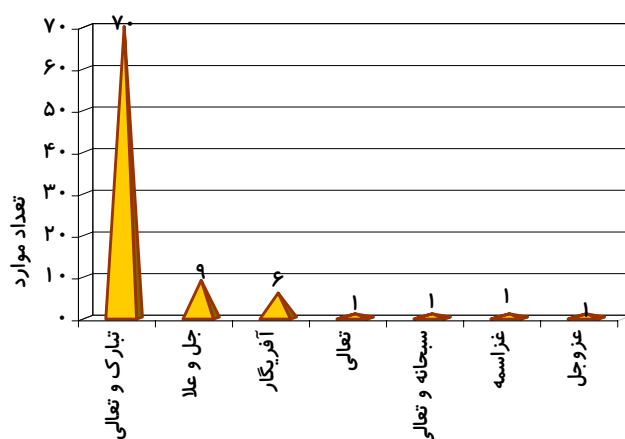
پس از آنجا که طبیعت آبست آب سبکتر است از زمین و جای او بالای زمین است و آنجا که عنایت ایزدی است در این پاره زمین که آرامگاه جانوران است سبکی از آب سته شده است و به قهر، جای آب و زمین یکی کرده است و گرانی و سبکی هر دو یکسان کرده که نه آن از این گرانتر آید و نه این از آن سبکتر نماید تا هر دو به هم آمیخته می‌باشند از بهر صلاح جانوران، فتبارک الله احسن الخالقین

جالب توجه است که با پیشرفت علوم و به کارگیری تکنولوژی پیشرفته نه تنها انسان توانسته است منکر وجود نظم و هماهنگی و هدفداری در جهان هستی شود بلکه با درک عمیق تر، و دلایل محکم تری با بهره‌گیری از ادبیات توحیدی، دخالت قطعی فکر خلاقه‌ای در خلقت هستی، را بیان نموده است به طوری که در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی، به فاصله بیش از شش قرن پس از رحلت حکیم جرجانی، آناتومیست فقید فرانسوی پرفسور رویر در کتاب حیات و هدفداری می‌نویسد "بطور خلاصه، عناصر اصلی ساختمان ماده زنده، عناصری که قسمت بیشتری از توده آنرا میسازند، اجسام ساده‌ای می‌باشند که وزن اتمی کم دارند و در آب محلول هستند و دمای مخصوصشان بالا است و به مقدار زیاد در طبیعت یافت میشوند. اگر این اجسام چنین صفات و ویژگی‌ها را نداشته باشند، حیات به وجود نخواهد آمد. معیناً تمام اجسام ساده سبکی که این صفات و اختصاصات را که شرح دادم دارا هستند، در موجود زنده یافت نمیشوند. بلکه انتخابی به عمل آمده است که مواد سبک و بیفایده را حذف کرده است و برعکس بعضی مواد سنگین را که به مقدار متناسب برای تشکیل بدن ضروری بوده‌اند به اندازه خیلی کم اضافه نموده است. بین نتیجه از پیش خواسته شده و ساختمان ماده زنده که کوچکترین اجزاء آن مناسب برای کارهای متعددش می‌باشد، توافق و تناسب کاملاً نزدیکی هست.

در اعلی مرتبه تکامل و بر اثر آن، جهشی منتهی به تشکیل انسان شده است، انسانی که در سطح خیلی بالائی بر تمام دنیای حیوانی در سایه فکر خود تسلط دارد و این فکر، انسان را به آن حد بالا برده است که به او اجازه می‌دهد حتی خالق خود را درک کند

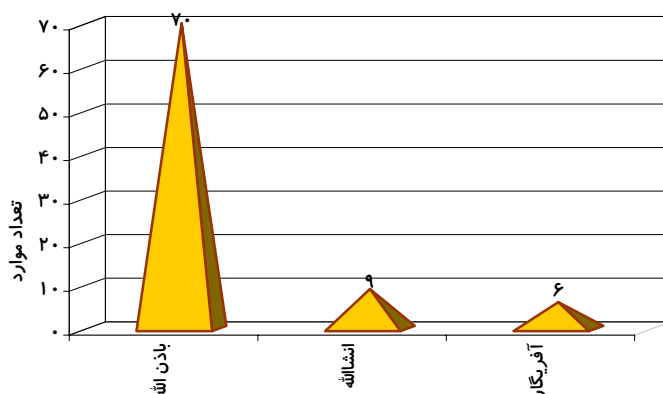
از واژه آفریدگار نیز قریب ۹۰ بار در متن ذخیره خوارزمشاهی، استفاده

شده است که نحوه توزیع آن در نمودار ۵ ملاحظه می‌گردد. وی می‌نویسد :



نمودار ۵ - نحوه به کارگیری واژه آفریدگار در کتاب ذخیره

و اگر نه آنست که آفریدگار تبارک و تعالی دماغ را بر بالای همه تن نهاده است به سبب نرمی و نازکی و نرمی، همیشه فضله همه اندامها بدو آمدی و دماغ، آن را دفع نتوانستی کردن و قوت‌های او همه تباه بودی و همه افعال دماغی با آفت بودی، تبارک الله ارحم الراحمین (ص ۶۲۴)



نمودار ۶ - نحوه به کارگیری عبارت عَزَّ وَ جَلَّ در کتاب ذخیره

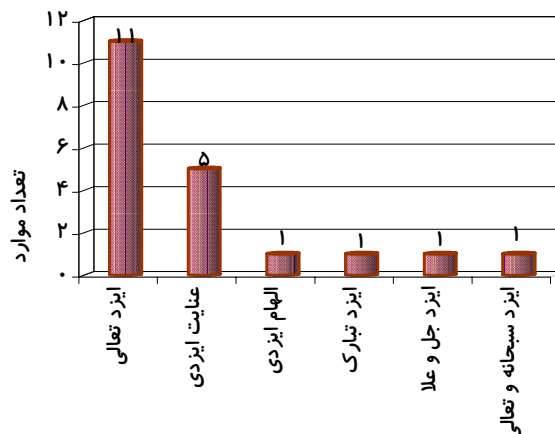
... در فصل بهار، چند روز پیوسته می دهند، کمترین، یک هفته، پیوندها را قوت دهد و ماده را به عرق و به ادرار بول، بیرون آرد و دردهای عسر را ببرد باذن الله عز و جل (ص ۲۸۹۳)

... و اسباب و علامات و علاج آن در بابی جداگانه یادکرده آید انشاءالله عزوجل و این گفتار، سه جزو است (۲۴۷۹).

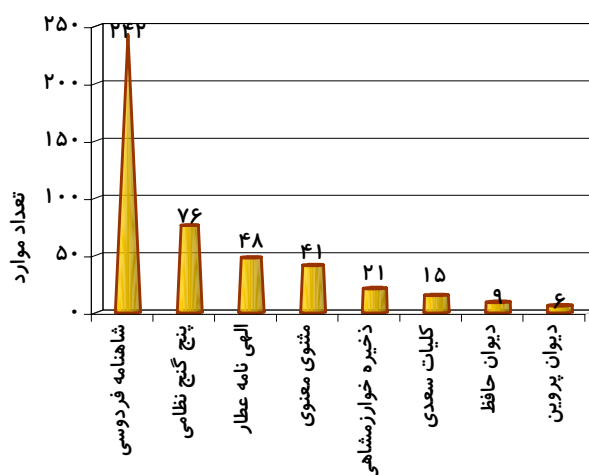
... و به علاج آماس مشغول گشتن چنانکه در موضعش یادکرده شود انشاءالله عزوجل (ص ۱۳۸۸)

حکیم جرجانی از واژه ایزد نیز بیش از ۲۰ مرتبه استفاده نموده (نمودار شماره ۷) که مثالهایی از نحوه به کارگیری آن در متن کتاب، ارائه می گردد :

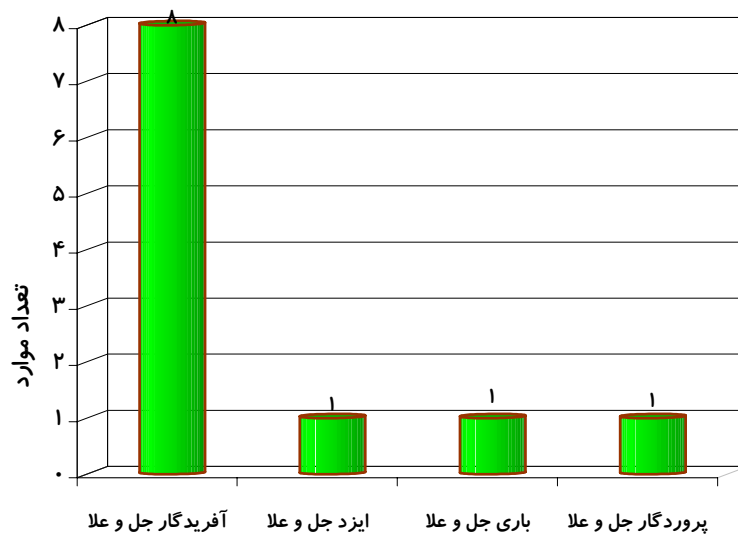
ایزد تعالی مهره های فرودین را بزرگتر و محکمتر آفرید، و هرچه بالاتر است کوچکتر و سبکتر آفرید. و چون مهره های گردن، خردتر است و سبکتر و گذر نخاع که اندرونیست فراختر، و این هردو سبب ضعیفی باشد، ایزد جل و علا گوهر این مهره ها را صلبتر از دیگر مهره ها کرد تا هر دو سبب را اندر یافته باشد (ص ۸۹)



نمودار ۷ - نحوه به کارگیری واژه ایزد در کتاب ذخیره



نمودار ۸ - توزیع فراوانی واژه ایزد در متن شاهنامه، پنج گنج ...



نمودار ۹ - توزیع فراوانی عبارت جَلَّ وَّعَلا در متن ذخیره خوارزمشاهی

و جالب توجه است که در بین کتبی که توفیق تدوین الکترونیکی آنها

برای نگارنده، حاصل گردیده است همانگونه که در نمودار ۸ ملاحظه می‌گردد در شاهنامه فردوسی از این واژه بیش از هر کتاب دیگری استفاده شده است.

پس آفریدگار جل و علا هر جا که به احتیاطی حاجت بود این راه‌ها به شرکت نهاد، اندر میان دو مهره و چنان ساخت که این راه عصب بر کناره دو مهره افتد، یک نیمه بر کناره یک مهره بر سان نیم دایره و دیگر نیمه بر کناره دیگر مهره افتد بر سان نیم دایره دیگر تا چون هر دو کنار مهره بهم باز نهاده باشد دایره... (صفحه ۹۰)

آفریدگار جل و علا نخست نخاع را از دماغ برویانید پس عصب را از نخاع برویانید و نخاع را از دماغ قویتر آفرید و عصب را از نخاع، قویتر، و از نخاع سه منفعت حاصل است: یکی آنکه نخاع چون میانجی است میان عصب و دماغ که اگر این نخاع در میان نبودی هر اندامی که حرکت... (صفحه ۱۷۸)

نتیجه گیری

هرچند جرجانی برای تالیف ذخیره خوارزمشاهی از کتاب قانون در طب ابن سینا استفاده‌های فراوانی برده و ابن سینا نیز آن کتاب را با بهره‌گیری از ادبیات توحیدی به رشته تحریر در آورده است ولی *از لحاظ این شیوه نگارش، بدون شک ذخیره خوارزمشاهی بسیار، غنی تر از قانون می‌باشد* و نیز به تعبیر قرآن مجید دریافتیم که دانشمندان افتخارآفرین و پزشکان گرانیپایه، ابن سینا و حکیم جرجانی نیز جزو خردمندان موحد بوده‌اند و با تعریفی که از ادبیات توحیدی، ارائه گردید نگارش کتب آنان با بهره‌گیری از این شیوه بوده است. لازم به تاکید است که ما دانشجویان پزشکی و پزشکان، دانسته یا ندانسته پا در وادی مقدسی نهاده‌ایم و بار امانت سنگینی را بدوش می‌کشیم. بار امانت محرمیت جان و مال و ناموس مردم و بار امانت مهندسی دستگاهی را که به تعبیر امام علی (ع) "به دستان مبارک حق ساخته شده و عمارتی که به دست پرتوان او بنا شده و خلاصه و عصاره کل هستی و چکیده آنچه در لوح محفوظ

است" و چه نیکوست که با اقتداء به شیوه توحیدی عرفا و حکمایمان حافظ، فردوسی . . . و مولوی و اساتید و پیشکسوتانمان ابن سینا، جرجانی . . . و پروفیسور رویر، همواره خود را در محضر او احساس کنیم و پندار، گفتار و کردار پزشکیمان را بر بستر عقیدتی محکمی که نشأت گرفته از اعتقاد به ذات باریتعالی و عشق و علاقه به خدمت زیربنائی به هموعان است بگسترانیم و همانگونه که ابن سینا در دوران تُرک تازی‌های شش جناح محارب (سامانیان، سلجوقیان، غزنویان، دیلمیان، آل بویه و آل مامون) اعتنائی به نزاع‌های آنان ننمود و همواره محیط امنی را برای آموزش و پژوهش و تالیف، برگزید ما نیز سعی کنیم ادامه دهنده راه او باشیم و همچون پیش کسوتان افتخارآفرین خود ادبیات توحیدی را در گفتار و نوشتار خود به کار بندیم و در سختی‌ها از او کمک بخواهیم، انشاالله.

منابع

- ۱ - قرآن مجید سوره آل عمران
- ۲ - هـ - رویر: حیات و هدفداری، ترجمه دکتر عباس شیبانی، شرکت سهامی انتشار، سال ۱۳۵۰ (ضمیمه نسخه رایانه‌ای مثنوی معنوی)
- ۳ - مولوی، جلال الدین: مثنوی معنوی، نسخه رایانه‌ای، معاونت تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت، ویرایش دوم، سال ۱۳۷۷
- ۴ - فردوسی، حکیم ابوالقاسم: شاهنامه، نسخه رایانه‌ای، معاونت تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ویرایش اول، سال ۱۳۷۷
- ۵ - حافظ، شمس الدین محمد: دیوان حافظ، نسخه رایانه‌ای، معاونت تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت، سال ۱۳۷۶
- ۶ - ابن سینا، حسین: قانون در طب، نسخه رایانه‌ای، معاونت تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت، ویرایش دوم، سال ۱۳۷۷

۷ - جرجانی، سیداسماعیل: ذخیره خوارزمشاهی، نسخه سعیدی سیرجانی و نسخه‌های دکتر جلال مصطفوی

۸ - گوهرین، سیدصادق، حجت الحق ابوعلی سینا: انتشارات توس، چاپ اول، سال ۱۳۷۴

۹ - بانک اطلاعاتی رایانه‌ای مناجات، حوزه معاونت فرهنگی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، باهمکاری حوزه معاونت پژوهشی وزارت بهداشت، ویرایش اول، سال ۱۳۷۸.

۱۰ - حاتمی، حسین: مبانی اپیدمیولوژی بالینی در قانون ابن سینا، اولین همایش بین‌المللی طب سنتی و مفردات پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، سال ۱۳۷۹، کتاب خلاصه مقالات کنگره، صفحه ۵۱۹.

۱۱ - حاتمی، حسین: ادبیات توحیدی در متن ذخیره خوارزمشاهی، کنگره بزرگداشت حکیم سید اسماعیل جرجانی، فرهنگستان علوم پزشکی کشور و دانشگاه علوم پزشکی گرگان، سال ۱۳۸۱، صفحات ۲۱۵-۲۰۸